[237] ساخت، ودینش را یاری نمود وسخنش را تصدیق کرد، ودر تمامی این موارد پیامبر از أو راضی وبر تو خشمگین بود. آنگاه شما را بخدا سوگند، آیا می دانید که پیامبر بنی قریظه وبنی نضیر را محاصره کرده بود، آنگاه در حالیکه عمر بن خطاب پرچم مهاجرین وسعد بن معاذ پرچم انصار را بدست داشت آنان را به سوی جنگ فرستاد، سعد بن معاذ به سوی میدان جنگ رفت ومجروح برگردانده شد، واما عمر فرار کرد وبرگشت در حالیکه اصحابش را می ترساند واصحابش أو را می ترساندند، پیامبر فرمود: فردا پرچم را به دست کسی می دهم که خدا ورسولش را دوست داشته وخدا ورسول أو را دوست دارند، حمله کننده بود وفرار نمی کند، آنگاه باز نمی گردد مگر آنکه خداوند پیروزی را به دستش محقق سازد. ابو بکر وعمر ودیگر مهاجرین وانصار خودشان به پیامبر عرضه می کردند تا به آن عنوان انتخاب شوند، وعلی علیه السلام آن روز بیمار بود وچشمانش درد می کرد، پیامبر أو را نزد خود خواند ودر چشمهایش آب دهان ریخت وآن حضرت سالم گردید، وپیامبر پرچم را به أو داد، وبازنگشت تا اینکه به یاری الهی پیروزی را بدست آورد، وتو آن روز در
